



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد رشته اندیشه سیاسی در اسلام

با عنوان :

# حزب الله لبنان و توسعه سیاسی

استاد راهنما :

دکتر شجاع احمدوند

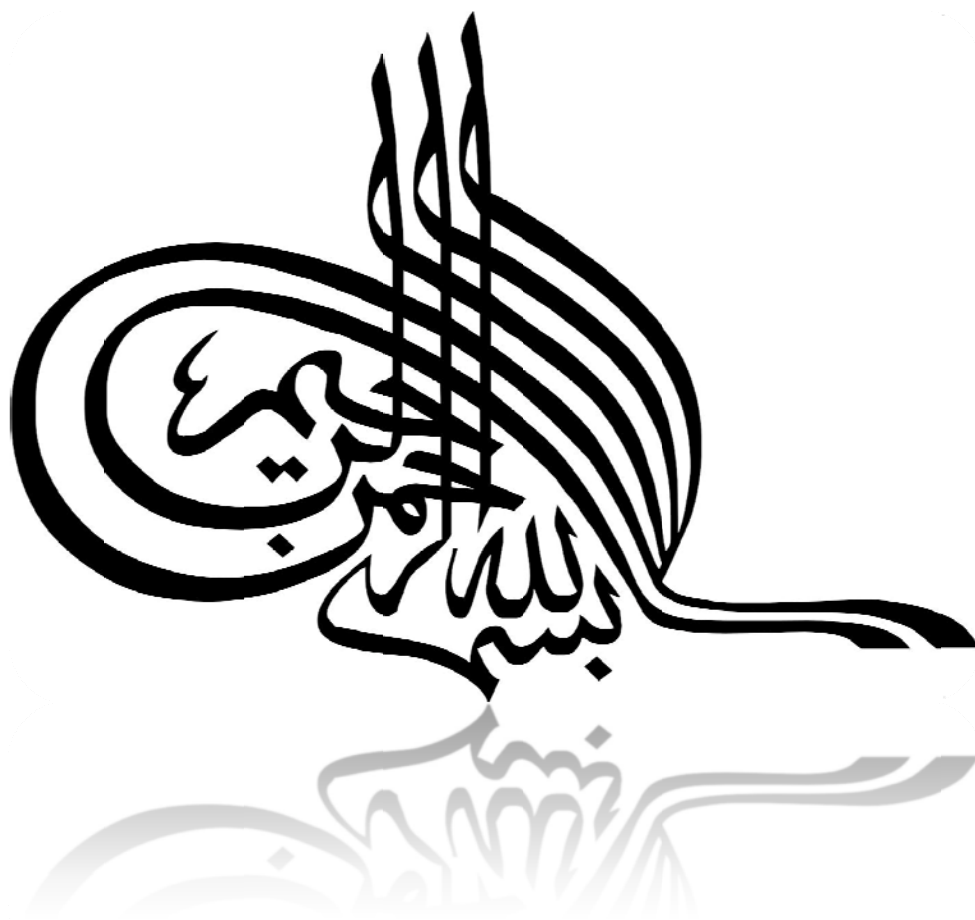
استاد مشاور:

دکتر ابراهیم برزگر

نگارش :

عمار مومن زاده سیاهمزیگی

تابستان 1390



«تقدیم به پدر و مادر عزیزم که بهترین آموزگار

فداکاری و مهربانی اند.....»

## سپاس نامه

با حمد و سپاس از خدای متعال که همیشه یاریگر من بوده است. پژوهش حاضر حاصل سعی و تلاش علمی نگارنده و همکاری و مساعدت بی دریغ اساتید محترم و تمامی دوستانی می باشد که در تهیه و تدوین آن مرا یاری نموده اند. وظیفه خود میدانم از راهنمایی بیدریغ و عالمانه استاد راهنما جناب آقای دکتر احمدوند و همچنین جناب آقای دکتر برزگر که سمت مشاوره را برعهده داشتند نهایت سپاسگزاری و تشکر را داشته باشم. لازم میدانم تشکر و امتنان خود را از استاد داور جناب آقای دکتر کواکبیان اعلام نمایم. از کلیه کارکنان مجموعه تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و کتابخانه دانشکده که در طول تحصیل و دوره نگارش پایان نامه با بنده همکاری نموده اند قدردانی نمایم. از زحمات پدر و مادر عزیزم که همیشه مشوق و پشتیبان من در تمام مراحل زندگی بوده اند سپاسگزاری می کنم.

## چکیده

جنبش حزب الله لبنان به عنوان یکی از جنبش های اسلامی معاصر در خاورمیانه با توجه به مبارزه علیه اسرائیل و رویکرد نظامی در بدو شکل گیری خود با درک واقعیت های سیاسی اجتماعی لبنان، از رویکرد نظامی در رقابت های سیاسی داخلی فاصله گرفته است. حزب الله با تغییر رویکرد در عرصه داخلی و اتخاذ استراتژی عقلانی مبادرت به رقابت و مشارکت در صحنه سیاسی - اجتماعی لبنان کرده است. رقابت و مشارکت حزب الله علاوه بر اینکه باعث تحکیم و تثبیت جایگاه حزب الله در عرصه داخلی و خارجی شده، بر روند توسعه سیاسی نظام و جامعه سیاسی لبنان تأثیر گزار می باشد. حزب الله توانسته است علاوه بر کسب مشروعیت مردمی برای مقاومت علیه اسرائیل و بدون عدول از منطق مقاومت، سبب ثبات و آرامش نسبی صحنه سیاسی لبنان شود که این ثبات در سایه مدل دموکراسی همزیست گرا، رعایت قواعد رقابت های سیاسی و همچنین اقدامات مشارکت جویانه توسط حزب الله لبنان فراهم شده است.

**واژگان کلیدی:** حزب الله لبنان، توسعه سیاسی، رقابت سیاسی، مشارکت

## فهرست مطالب

- 1- طرح مسأله..... 10
- 2- اهداف و اهمیت موضوع..... 12
- 3-سؤالات اصلی..... 12
- 4- فرضیه ها..... 13
- 5- تعریف مفاهیم..... 13
- 6-ادبیات تحقیق..... 16
- 7-روش پژوهش..... 17
- 8- مشکلات و تنگناها..... 18
- 9- سازماندهی ..... 18

## فصل اول : چهارچوب مفهومی ؛ رقابت و مشارکت

- 1- مفهوم توسعه سیاسی..... 20
- 2- شاخص های توسعه سیاسی..... 29
- 1-2-رقابت سیاسی..... 30
- 2-2- مشارکت..... 36

- 3- موانع توسعه سیاسی..... 45
- 1-3- خشونت سیاسی ..... 45
- 2-3- وجود دولت استبدادی ..... 46
- 3-3- تمرکز منابع دولتی..... 47
- 4-3- وجود شکافهای قومی - مذهبی..... 47

### فصل دوم : جنبش حزب الله و رقابت سیاسی

- 1- ساختار سیاسی لبنان..... 53
- 2- احزاب و جریان های سیاسی لبنان..... 57
- 1-2- جریان چهارده مارس..... 59
- 1-2-1- جریان المستقبل..... 59
- 1-2-2- حزب کتائب..... 60
- 1-2-3- قوات لبنان..... 61
- 1-2-4- جریان سوسیالیست ترقی خواه..... 62
- 1-3- جریان هشت مارس..... 63
- 1-3-1- جنبش امل ..... 64
- 1-3-2- جنبش حزب الله..... 64
- 1-3-3- حزب دموکرات لبنان..... 66
- 1-3-4- جریان ملی آزاد لبنان..... 66

- 67..... 4-3-1- حرکت توحید اسلامی
- 67..... 6-3-1- جماعت اسلامی لبنان
- 69 ..... 3- جایگاه حزب الله در ساختار سیاسی لبنان
- 71 ..... 4- مشارکت در فرایند سیاسی لبنان
- 76..... 5- مقاومت در برابر اسرائیل و کسب هویت جدید حزب الله
- 84..... 6- تحول در نگاه حزب الله به جهان خارج
- 86..... 7- رقبای اصلی حزب الله در عرصه داخلی
- 88..... 7-1- مارونی ها
- 93..... 7-2- جریان میشل عون
- 94..... 7-3- جنبش امل

### فصل سوم : حزب الله و مشارکت سیاسی - اجتماعی

- 105 ..... 1- مشارکت سیاسی
- 108 ..... 1-1- مشارکت در انتخابات پارلمان
- 111 ..... 1-2- مشارکت در کابینه
- 113 ..... 1-3- مشارکت در مذاکرات سیاسی با گروههای رقیب
- 118..... 2- مشارکت اجتماعی
- 118..... 2-1- مشارکت در فعالیت های شورایی و اتحادیه ای



119.....2-2- مشارکت در قالب تأسیس نهادها، مؤسسات خدماتی و عام المنفعه.....

122.....3- مشارکت فرهنگی.....

122.....3-1- مشارکت در فعالیت های رسانه ای.....

### نتیجه گیری

128.....نتیجه گیری.....

136.....منابع و مأخذ.....

## مقدمه

### 1. طرح مسأله:

از الزامات جوامع دموکراتیک در جهان معاصر می باشد که تعاریف متعدد و متنوعی از سوی (political development) توسعه سیاسی اندیشمندان مختلف در خصوص آن صورت گرفته است که هر اندیشمندی به زعم خویش و مطابق شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی بر یک سری از ابعاد توسعه سیاسی اهمیت بیشتری قائل می باشد. اما آنچه که در بیشتر تعاریف تحلیلگران بیش از پیش مشهود می باشد تأکید بر برخی عناصر کلیدی در تعریف توسعه سیاسی می باشد که شامل حرکت به سوی: برابری فزاینده میان افراد در سیستم سیاسی، ظرفیت فزاینده سیستم سیاسی در ارتباط با محیط خود و تنوع در نهادها و ساختارهای درون سیستم سیاسی می باشد.

به این سو که برابر با بیداری جمعی و خیزش جنبش شیعه 1960 این مفهوم در ارتباط با جنبش شیعی حزب الله لبنان، به ویژه از سال در این کشور است، نقش بسیار مهم و پر رنگی را در حیات سیاسی کشور لبنان ایفا کرده است. اما هر چند شیعیان لبنان بزرگ ترین گروه مذهبی این کشور هستند و باید در نظام سیاسی طایفه ای این کشور، بالاتر از مسیحیان مارونی و اهل سنت قرار گیرند، هنوز نتوانسته بودند به حقوق خود دست یابند و بی توجهی تاریخی سیستم سیاسی لبنان به خود را جبران کنند

به تعریفی دیگر می توان توسعه سیاسی را تغییر وضع مردم از وضعیت اطاعت کنندگان پر شمار به صورت شهروندان مشارکت کننده در تعداد زیاد، گسترش مشارکت توده ها، حساسیت بیشتر به اصل برابری و پذیرش روزافزون قوانین و حقوق جهانشمول دانست.

، مدرنیزاسیون نیروهای شیعی، بسیج سیاسی آنها و آگاهی سیاسی شیعیان 1980 و 1970 تحولات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی دهه های طبقه متوسط سیاسی خاصی را شکل داد که منتقد اصلی شرایط موجود بوده و از الگوهای مختلفی نظیر فعالیت گروه های آزادیبخش فلسطینی و برخی گروه های چپ، برای احقاق حقوق خود سود می برد. در چنین شرایطی، با ظهور امام موسی صدر در متن جامعه شیعیان، جنبش سیاسی آنان جهت یافت و با اتخاذ برنامه و هدف، خط مشی لازم برای فعالیت های خود را مشخص و در این راستا گام برداشتند.

( تأثیری شگرف در ساماندهی اندیشه های حزب الله و جنبه های 1979 (1357 در این میان، پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال عملی و نظری آن بر جای گذاشت و گروه های فعال شیعی فعالیت هایشان را در چهار چوب انقلاب اسلامی قرار دادند. حزب الله اندکی پس

از دوران تأسیس، موفق شد حضور مردمی و نظامی مهمی در صحنه لبنان بیابد. این امر در مراحل اولیه شکل گیری، از طریق ارائه خدمات اجتماعی، بهداشتی و مراکز خدماتی و تبلیغاتی در منطقه جنوب بیروت و دره بقاع و ناحیه ضاحیه در بیروت که مقر اصلی شیعیان در این شهر بود، ابتدا باعث توسعه قلمرو و نفوذ اجتماعی جنبش و در مراحل بعدی در ادامه توسعه فعالیت ها و با استفاده از حمایت های مردمی و با تکیه بر شاخه نظامی خود، تحت نام مقاومت اسلامی، به تنها نیروی پایدار در برابر اسرائیل در منطقه تبدیل گردید. با عقب راندن اسرائیل، مقاومت این حزب در برابر تهاجم اخیر اسرائیل به لبنان و وارد آوردن خسارات مهم و حیاتی به این 2000 از جنوب لبنان در هفتم ژوئیه، به بازیگر مهم 2000 رژیم، سبب اتخاذ استراتژی سیاسی فعالی از سوی این جنبش در صحنه سیاسی لبنان شده است، بویژه پس از سال عرصه سیاسی لبنان و منطقه تبدیل گردید.

## 2. اهداف و اهمیت موضوع

- بررسی توسعه سیاسی جنبش حزب الله لبنان و تأثیر آن بر ساختار سیاسی این کشور

- ارائه یک تحقیق علمی به جامعه دانشگاهی جهت شناخت جنبش حزب الله لبنان، روند مشارکت و رقابت سیاسی حزب الله

- کمک به مراکز تصمیم گیری از جمله وزارت امور خارجه

در مورد حضور و عملکرد حزب الله لبنان به صورت محدود مقالاتی نوشته شده است اما در مورد توسعه سیاسی این تشکل، کار پژوهشی در چارچوب پایان نامه کار نشده است. با توجه به تاریخ سیاسی لبنان و وجود قومیتها و مذاهب مختلف در این کشور و به دلیل تبعیضات قومیتی و مذهبی و شکافهای قومی و نژادی، شیعیان همواره بعد از مسیحیان و مسلمانان اهل سنت در چارچوب ساختار سیاسی این کشور قرار گرفته بودند. شکل گیری و روند تکامل جنبش حزب الله در ساختار اجتماعی-سیاسی لبنان باعث قدرتمندتر شدن شیعیان و بازیابی هویت از دست رفته آنان در این کشور شده است که بیش از این در تاریخ سیاسی لبنان بدین شکل سابقه نداشته است. این امر در کنار فشارهای داخلی و خارجی و بویژه وجود دشمن خارجی (اسرائیل) همچنین حملات آن در سالهای قبل و نزدیک به لبنان و حزب الله، نه تنها حزب الله لبنان را تضعیف نکرده بلکه باعث انسجام و حضور فعال تر این جنبش در عرصه داخلی و خارجی شده است. بررسی چگونگی روند دستیابی حزب الله لبنان به این سطح از قدرت در چهارچوب مفهومی توسعه سیاسی ذیل دو شاخص اصلی رقابت و مشارکت سیاسی از اهداف نگارنده در طول مراحل نگارش تحقیق می باشد.

### 3. سوالات

#### اصلی:

- حزب الله لبنان چه نقشی در توسعه سیاسی (رقابت و مشارکت سیاسی) لبنان دارد؟

#### فرعی:

1- حزب الله لبنان چه نقشی در مشارکت سیاسی مردم داشته است؟

2- نقش حزب الله لبنان در رقابت های سیاسی درون قدرت لبنان چگونه بوده است؟

### 4. فرضیه ها

#### اصلی :

حزب الله لبنان از سویی با ارائه خدمات اجتماعی و عمرانی و از سوی دیگر با ایفای نقش پیشگامی مقاومت در برابر اسرائیل توانسته است به نیرویی مهم در رقابت های سیاسی مبدل شود، همچنین موجب مشارکت هر چه بیشتر مردم در ساختار سیاسی لبنان شده است.

#### فرعی :

1- حزب الله لبنان از طریق فعالیت های عام المنفعه همچون خدمات اجتماعی و عمرانی نگاه مردم را 1- به ساختار سیاسی مثبت کرده و سبب مشارکت آنها در فرایندهای انتخاباتی شده است.

2- حزب الله لبنان از طریق ایفای نقش مبارزه جویی در برابر اسرائیل به عنوان نیرویی قوی و رقیب در 2- منازعات قدرت در برابر گروههای طرفدار سازش ظهور کرده است .

## 5. تعریف مفاهیم :

### - توسعه سیاسی

"توسعه سیاسی" مفهومی است که در پی تحولات پس از جنگ جهانی دوم، با استقلال کشورها از یک طرف و نیز تهدیدات نظامهای سوسیالیستی بلوک شرق برای دنیای غرب در خلال جنگ سرد از سوی دیگر، توسط جامعه شناسان و نظریه پردازان و به ویژه نظریه پردازان آمریکایی، به منظور ارائه راه حلی برای کشورهای تازه استقلال یافته و توسعه نیافته به منظور تغییر و دگرگونی مطرح گردید. در این تحقیق توسعه سیاسی را به معنای گسترش مشارکت و رقابت گروههای اجتماعی - سیاسی در حیات سیاسی و اجتماعی در نظر میگیریم. رقابت زمینه لازم برای چرخش نخبگان و دگرگونی در گروه (political participation) و مشارکت سیاسی (political rivalry) را فراهم میسازد. حاکمه را فراهم میکند. در نتیجه گروهها و نیروهای سیاسی و اجتماعی جدید می توانند با استفاده از مکانیسم رقابت و مشارکت سهمی در زندگی سیاسی بدست آورند. توسعه سیاسی وقتی حاصل می شود که گروهها و نیروهای اجتماعی گوناگون بتوانند به علایق و منافع خود از نظر سیاسی سامان دهند، نهادهای متنوع توسعه یافته وجود داشته باشد، روشهای مسالمت آمیز برای حل اختلافات و منازعات و بدست گرفتن قدرت اتخاذ شود، سیاست غیر شخصی شود و امکان اعمال خشونت سیاسی در وجوه گوناگون کاهش یابد. همچنین در درون نهادهای سیاسی مستقر مجال مشارکت و رقابت سیاسی مستمر و مسالمت آمیز وجود داشته باشد و مجموعه ساختار از استمرار و مشروعیت برخوردار باشد. توسعه سیاسی متضمن تحولی ذهنی نیز می باشد که خود ممکن است برآیند تحولات عینی باشد ولیکن بدون حدوث آن توسعه سیاسی ممکن نخواهد بود این عنصر ذهنی در واقع تکوین اراده و خواست لازم برای تحقق بخشیدن نظام سیاسی رقابتی و مشارکت آمیزی باشد. به طور کل از مهمترین لوازم توسعه سیاسی، سازمان یابی گروهها و نیروهای اجتماعی - آزادی گروهها و نیروها اجتماعی سیاسی در مشارکت و رقابت سیاسی - وجود مکانیسم حل منازعه نهادمند در درون ساختار سیاسی و خشونت زدایی از زندگی سیاسی می توان نام برد.

### - جنبش حزب الله لبنان

حزب الله لبنان بزرگترین و تأثیرگذارترین جنبش لبنانی است که نقش بسیار مهمی در ساختار سیاسی این کشور دارد. بدنبال حمله تعدادی از جوانان لبنانی در کنار یکدیگر قرار گرفتند و با هدف بیرون راندن متجاوزین یک گروه مقاومت 1982 اسرائیل به لبنان در سال تشکیل دادند. جنبش حزب الله مبانی اعتقادی و روش عملی خود را از اصول اسلام می گیرد. این جنبش ضرورت تحرک سیاسی همه طبقات

مردم برای به دست گرفتن زمام امور کشور و عدم سلطه بیگانگان را ضروری می‌داند. همچنین جهاد علیه اشغالگران را واجب شرعی می‌داند. از این رو مبارزه با اسرائیل سرلوحه فعالیت حزب الله است.

جنگ‌های چریکی و فعالیت سیاسی این جنبش سبب شد تا تابوی شکست ناپذیری ارتش اسرائیل کمرنگ شود و این ارتش اولین بچشد و از جنوب لبنان عقب نشینی کند. بدنبال این عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان، جایگاه حزب 2000 طعم تلخ شکست را در سال الله در عرصه تحولات داخلی و خارجی تغییر کرد چرا که مردم این کشور به این جنبش افتخار می‌کردند و آن را به عنوان یک پیشخوانه قوی در برابر دشمن خارجی می‌دانستند به همین دلیل حزب الله توانست در عرصه داخلی لبنان نقش برجسته تری ایفا کند. البته مخالفت هایی هم در داخل لبنان علیه حزب الله و گروه مقاومت شکل گرفت اما سران این جنبش سعی در حل مسالمت آمیز مسائل گوناگون داخلی داشتند. مهم ترین توطئه‌ای که علیه این جنبش با هدف خلع سلاح و حذف آن از عرصه تحولات سیاسی لبنان رخ داد پس از ترور رفیق صورت گرفت. بدنبال این ترور غرب و بعضی از گروههای داخلی لبنان سوریه و نیروهای مقاومت حزب الله را 2004 حریری در سال شورای امنیت به تصویب رسید. در این قطعنامه بر خروج نیروهای سوری و خلع سلاح 1701 متهم به دخالت در این ترور کردند و قطعنامه تمام گروههای لبنانی تصریح شده است.

تشکیلات حزب الله شورایی رهبری مرکب از هفت نفر است که از طریق انتخابات داخلی برگزیده می‌شوند. در هر کنگره حزب، برخی تغییرات در درون تشکیلات و سازماندهی حزب مانند طرح مناصب جدید یا انضمام برخی مناطق به یکدیگر مورد تصویب قرار می‌گیرد. اعضای حزب شورای رهبری را انتخاب می‌کنند و از درون آن دبیر کل جنبش تعیین می‌شود. اعضای دفتر سیاسی حزب ده نفر می‌باشد که وظیفه تحلیل و بررسی مسائل سیاسی، برقراری ارتباط با احزاب و فعالیت های سیاسی در لبنان و ارائه آن به شورا برای تصمیم گیری نهایی به عهده این دفتر است. شورای اجرایی نیز با 15 عضو، وظیفه تنظیم سیاست های کلی حزب را دارد. تهیه و تنظیم این سیاست ها را هیئت طرح و برنامه انجام می‌دهد که اعضای آن 20 نفر می‌باشند.

## 6. ادبیات تحقیق :

در ارتباط با موضوع تحقیق -توسعه سیاسی حزب الله- با توجه به تاریخچه این جنبش عمده پژوهش های چاپ شده در این حوزه بیشتر مربوط به تاریخ عمومی شیعیان لبنان و بیوگرافی شخصیت های تاثیر گذار شیعی، دروزی و مارونی و همچنین اهل سنت در این کشور می رسد تا به حال تحقیق 1985 باشد و نسبت به موضوع توسعه سیاسی حزب الله لبنان که تاریخچه تشکیل آن به صورت رسمی به سال مدونی در حد یک پایان نامه با موضوعیت توسعه سیاسی کار نشده است. با توجه به مدت کوتاه شکل گیری این جنبش و مطرح شدن آن بعد ، پیروزی این جنبش در عرصه مقاومت و حضور در صحنه سیاسی اجتماعی لبنان توسعه سیاسی حزب الله نمود بیشتری 2000 از وقایع سال می یابد که تحقیق های صورت گرفته بر روی آن بیشتر به صورت مصاحبه و مقاله بوده که بیشتر به معرفی و نحوه شکل گیری حزب الله و یا لبنان می پردازند که در ذیل به آنها اشاره می شود: مانند: *دموکراسی انجمنی و ثبات سیاسی در جوامع ناهمگون* اثر حمید احمدی، *احزاب سیاسی لبنان* اثر نهاد حشیشو، *حزب الله لبنان خط مشی گذشته آینده* تألیف قاسم نعیم، *بازیگران مسیحیت سیاسی در لبنان* اثر محمد حسین میرزاآقایی، *کتاب از مقاومت تا پیروزی، تاریخچه حزب الله لبنان* از مسعود اسداللهی یا از همین نویسنده کتاب *جنبش حزب الله لبنان، گذشته و حال*، آثاری هستند که به جامعه لبنان، حزب الله و مسائل پیرامونی آن اشاره کرده که بیشتر جنبه عمومی دارند. اما در خصوص کلیات توسعه سیاسی کتابها و مقالات متعددی نیز وجود دارد که *نظیرموانع توسعه سیاسی حسین بشیریه*، *عقل در سیاست حسین بشیریه، توسعه سیاسی* تألیف بدیع برتران، *مجموعه مقالاتی پیرامون توسعه سیاسی از جواد اطاعت، بحرانها و توالی ها در توسعه سیاسی ترجمه غلامرضا خواجه سروی*، *توسعه سیاسی و تحول اداری عبدالعلی قوام* و اثر دیگر این نویسنده کتاب *چالشهای توسعه سیاسی، درباره دموکراسی... اثر رابرت دال* می توان نام برد که نگاه کلی به مقوله توسعه سیاسی و شاخصهای آن دارند که بیشتر در مبانی نظری از آنها بهره مند خواهیم شد اما نگارنده در حال حاضر کتاب یا مقاله مبسوطی که به موضوع توسعه سیاسی در لبنان یا حزب الله لبنان باشد، تا کنون موفق به مطالعه آن نشده است. از این منظر تحقیق حاضر به صورت جامع به تحلیل و بررسی روند توسعه سیاسی در جامعه لبنان و سپس حزب الله لبنان می پردازد و ضمن ارزیابی مراحل طی شده، روند تحولات این جریان را در موضوع توسعه سیاسی ذیل دو شاخص رقابت و مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار می دهد.

## 7. روش پژوهش

تحلیلی و توصیفی می باشد و نگارنده در طول تحقیق از منابعی روش تحقیق حاضر مبتنی بر روش همچون، کتابها و منابع دست اول در مورد لبنان و حزب الله، پایان نامه های مورد نگارش در مورد جنبش های سیاسی معاصر در خاورمیانه، فصلنامه ها، مقالات و منابع اینترنتی و مطالعات کتابخانه ای بهره برده است. در این تحقیق با توجه به تاریخچه حزب الله لبنان، نگارنده با نگاه تحلیلی به روند تولد و نوزایی این جنبش روند توسعه سیاسی این جریان را مورد ساله این جنبش، 30 در فضای سیاسی و ملتهد لبنان در طول تاریخ بررسی قرار داده است و به تشریح مشارکت و رقابت سیاسی این جریان در ساختار سیاسی لبنان می پردازد.

### مشکلات و تنگناها 8

با توجه به موضوع تحقیق و محدودیت منابع تحقیق به لحاظ زبانی و عربی بودن منابع، همچنین موقعیت مکانی موضوع پژوهش، مشکلاتی در زمینه تأمین منابع و اطلاعات بیشتر روبرو بوده و مشکلات مالی جهت مرتفع نمودن بخشی از محدودیت ها نیز مزیت بر علت بوده است .

## 9. سازماندهی

تحقیق حاضر مشتمل بر یک مقدمه و سه فصل اصلی و نتیجه گیری می باشد. فصل اول به چارچوب مفهومی توسعه سیاسی (رقابت و مشارکت) اختصاص دارد که در این فصل ضمن طرح نظریات مختلف در باره توسعه سیاسی به دو شاخص اصلی آن مشارکت و رقابت سیاسی می پردازیم و سعی در ارائه چهارچوب مفهومی در خصوص این دو مقوله هستیم. فصل دوم در ارتباط با رقابت سیاسی حزب الله لبنان می باشد که به بررسی ساختار سیاسی لبنان، جریان ها و احزاب لبنان و رقابتهای حزب الله لبنان در سه عرصه داخلی، اسرائیل و جهان خارج پرداخته می شود. در فصل سوم نیز مشارکت و ابعاد مشارکت حزب الله شامل مشارکت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی در جامعه و نظام سیاسی



لبنان بحث می شود. بخش پایانی به نتیجه گیری، ارزیابی و جمع بندی پژوهش اختصاص دارد. منابع و مأخذ نیز در پایان پژوهش درج می

گردد.

## فصل اول

### مشارکت و رقابت چهارچوب مفهومی :

در چارچوب مطالعه سیاست های مقایسه ای مورد توجه دانشمندان علوم 1960 و اوایل دهه 1950 مقوله توسعه سیاسی از اواخر دهه محققین و فلاسفه سیاسی سعی کردند این مقوله را براساس 1930 و 1920 سیاسی قرا گرفت. البته قبل از دوران جنگ به ویژه در دهه های دگرگونیها و تغییرات اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. دیدگاه دانشمندان در دهه های مزبور بسیار بدبینانه بود به گونه ای که آنان نهایت هر تمدنی، از جمله تمدن غرب را در زوال و نابودی دانسته و بر این اعتقاد بودند که تحولاتی که در روند صنعتی شدن و نوسازی به وقوع پیوسته باعث بروز یک سلسله بحران هایی چون از خود بیگانگی و از هم گسیختگی اجتماعی گردیده است.<sup>1</sup>

از دوران پس از جنگ دوم جهانی نسبت به روند توسعه سیاسی و دگرگونی های اجتماعی برخوردار خوش بینانه شده و محققین تحت تأثیر موفقیت ها و رونق اقتصادی که نصیب غرب به ویژه آمریکا شده بود، این مقوله را از بعدی مثبت و امیدوار کننده مورد تجزیه و تحلیل قرار می دادند. از آنجائیکه فضای حاکم بر روابط بین الملل به صورت دو قطبی نمایان می شد، لذا محققین غربی تحت تأثیر این وضعیت الگوها و تئوریهای را در رابطه با توسعه سیاسی ارائه دادند .

عوامل و انگیزه های گوناگونی در طرح تئوریهای توسعه سیاسی و روند نوسازی موثر بودند که می توان به پاره ای از آنها در زیر اشاره کرد :

1 - استقرار نظام دوقطبی

2 - گسترش روز افزون جنبش های سوسیالیستی، احزاب کمونیست در جهان سوم، کشورهای سرمایه داری اروپا و نیز استقرار دموکراسی های توده ای در سرزمین های اروپای شرقی

---

<sup>1</sup> - عبدالعلی قوام، *چالشهای توسعه سیاسی*، تهران: نشر قومس، 1382، ص 12

- جنبش مک کارتیسم در ایالات متحده آمریکا 3

- روند رو به افزایش نهضت های رهایی بخش و جنبش های استقلال طلبانه 4

-افزایش روند رو به گسترش واحد های مستقل سیاسی در جهان سوم 5

- شکل گیری جنبش عدم تعهد و برهم زدن سیستم موازنه دلخواه قدرتهای بزرگ 6

بدین طریق این تحولات محیط های دانشگاهی و روشنفکری را تحت تأثیر قرار داده و بسیاری از محققین علوم سیاسی برآن شدند تا نظریات و دیدگاههای خود را در خصوص این تحولات طرح و منتشر کنند.<sup>۱</sup>

### **1. مفهوم توسعه سیاسی :**

توسعه سیاسی از مفاهیمی است که عناصر ضد و نقیضی را در خود جای داده و به هنگام اطلاق به واحدهای سیاسی مورد نظر، این تناقض ها بیشتر آشکار می شوند. بدین ترتیب برنامه ریزان و مجریان پروژه توسعه سیاسی دائماً با این وضعیت تناقض نما در چالش و کشمکش می باشند. در برخی از موارد به علت وجود زمینه های مساعد فرهنگی و تاریخی اجرای طرحهای توسعه سیاسی با مشکلات کمتری روبرو می شود، در حالیکه در سایر موارد به واسطه حل نشدن پاره ای از مسائل ارزشی و هنجاری در طول تاریخ این فرآیند خیلی به کندی صورت می گیرد. به هر حال برای آنکه نظام سیاسی بتواند نسبت به تقاضاهای رو به افزایش مردم پاسخگو باشد می باید به طور جدی وارد این فراگرد شده و ضمن انجام اصلاحات و دگرگونی هایی در ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، ظرفیت و قابلیت های خود را برای ارائه داده های مناسب افزایش دهد.<sup>۲</sup>

علی رغم آنکه در بسیاری از موارد توسعه و نوسازی سیاسی مترادف یکدیگر به کار گرفته می شوند، لیکن پاره ای از محققان، توسعه سیاسی را خیلی کلی تر و عام تر از نوسازی سیاسی تلقی می کنند و معتقدند که نوسازی سیاسی در بطن توسعه سیاسی جای می گیرد و ویژگی های آن را همبستگی میان ساختارها و عملکردها برای ابتکار و نوآوری، وجود ساختارهای اجتماعی انعطاف پذیر و تخصصی شده و ها جهت زندگی در جهان پیشرفته تکنولوژیک می دانند. آنان بالاخره وجود چهارچوب های اجتماعی خاص برای توسعه دانش و مهارت

---

<sup>۱</sup> - همان، ص 13

<sup>۲</sup> - همان، ص 8

معتقدند که نوسازی سیاسی را می توان فرآیندی تلقی کرد که در طی آن نقش های کارکردی استراتژیک یک جامعه به سازندگی و تولید مبادرت می ورزند.<sup>۱</sup>

عده دیگر از دانشمندان علوم سیاسی، نوسازی را به ساختارهای سیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و نیز توزیع اقتدارسیاسی در میان کلیه بخش ها و حوزه های جامعه مرتبط می سازند.<sup>۲</sup> گروهی از محققان با برخوردی محافظه کارانه به توسعه سیاسی و نوسازی، به ارزشهایی همچون ثبات، تعادل و هماهنگی در جامعه تأکید می کنند و نهادینه شدن آن را امری ضروری می پندارند. « ساموئل هانتینگتون» نوسازی را براساس میزان صنعتی شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، مشارکت سیاسی و رشد اقتصادی مورد ارزیابی قرار می دهد و معتقد است، از آنجائی که در فرآیند نوسازی و توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش های جدیدتر ظهور می کنند، لذا نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد. در غیر این صورت سیستم با بی ثباتی، هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابسامانیها به شکل انقلاب تجلی نماید.<sup>۳</sup>

از نظر «هانتینگتون» هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف ناپذیری به انعطاف پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد. به طور مسلم زمانی که پارامترهای مزبور را درجوامع گوناگون مورد بررسی قرار می دهیم، ملاحظه میکنیم که پاسخ های نظام های سیاسی متفاوت نسبت به معیارهای مزبور یکسان نیستند، زیرا از آنجائیکه توسعه و نوسازی سیاسی در چارچوب های ارزشی مورد مطالعه قرار می گیرند، لذا چه بسا انعطاف بیشتر یک نظام به صورت رفتارهای ضد توسعه و ضد مشارکت سیاسی تلقی شود.

از سویی دیگر «لوسین پای» توسعه و نوسازی سیاسی را در چارچوب بحران مورد مطالعه قرار داده و معتقد است که گذر موفقیت آمیز از هریک از بحران های مزبور راهگشای توسعه و نوسازی سیاسی می باشد. « پای » در بررسی های خود شش بحران هویت، مشارکت، نفوذ، مشروعیت، توزیع، و یکپارچگی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.<sup>۴</sup>

---

۲-David E.Apter, The politics Of Modernization, Chicago: University of Chicago Press 1965  
۳-S.N. Eisenstadt, Madernization and Condition of Sustained Growth, ۱۹۶۴  
۱- S.Huntington, Development and "Poltical Decay", World poltics XVII, PP۳۸۶-۴۳۰ . ۱۹۶۵  
۲- Lusian pye, Aspect of political Devlopment, little Brown & co. ۱۹۶۶